

الزامات بهبود فضای کسب و کار و مدیریت ریسک‌ها در پروژه‌های مشارکتی حوزه آب

سجاد صالحی و محسن روحانی نژاد

مشارکت عمومی و خصوصی - ریسک‌ها - کسب و کار - حوزه آب - مصاحبه

۲۸ و ۲۹ خرداد ۱۴۰۱

لزوم مشارکت با بخش خصوصی در بخش آب

ضعف مشارکت مردم در مراحل مختلف برنامه ریزی، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و نیز عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش خصوصی در حوزه فعالیت‌های آب از مشکلات دیرینه آن است. اتکای صرف به توان محدود دولت و ناکارآمدی‌های ذاتی موجود در بخش دولتی، شرایط را برای مدیریت آب کشور پیچیده کرده است. در چنین شرایطی استفاده از ظرفیت و مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری و مدیریت آب به عنوان یک سیاست محوری می‌تواند موجب ارتقاء نظام مدیریت آب کشور گردد. رفع موانع و مشکلات، ایجاد فرصت‌ها و ظرفیت‌های جدید برای حضور بخش خصوصی در فعالیت‌های آب کشور همراه با ارائه راهکارهای مناسب می‌تواند موجب بهبود فضای کسب و کار و رونق اقتصادی شود. در کشور ایران، سرمایه‌گذاری انجام شده در بخش آب کشور شامل دو بخش عمده دولتی و غیردولتی (اعم از تعاونی و بخش خصوصی) است. در گذشته، سرمایه‌گذاری در طرح‌های آب بطور عمده متکی به منابع مالی دولت و دریافت از خزانه کشور بوده است. طی دهه اخیر استفاده از منابع داخلی شرکت‌ها، منابع و تسهیلات بانک‌ها (داخلی و خارجی)، سازوکار فروش اوراق مشارکت و فاینانس خارجی در کنار منابع مالی دولت گسترش یافته است.

مسئولیت حفاظت از منابع آبی و مدیریت تأمین و استحصال آب برای مصارف شرب، کشاورزی و یا صنعت با دولت است. توجه به پایداری منابع آبی، کنترل برداشت و تعیین میزان و نوع مصرف، همچنین رعایت حقوق همگان و جلوگیری از تجاوز به حقوق حقا به داران و سایر ذینفعان امری است که به عهده دولت گذاشته شده است. در این راستا علاوه بر پرداختن به امور غیر سازه‌ای، یکی از وظایف مهم دولت، فراهم کردن زمینه‌های تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در ایجاد و بهره‌برداری، بازسازی و نوسازی تاسیسات آبی است. بر اساس ماده ۲۱۴ قانون برنامه پنجم توسعه و موادی از قوانین بودجه سنواتی، دولت موظف است به منظور افزایش کارآمدی و اثربخشی سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در بخش‌های مختلف اقتصادی، زمینه و روش‌های مختلف مشارکت عمومی - خصوصی را همراه با پیش‌بینی تضامین لازم برای سرمایه‌گذاران فراهم نماید. علی‌رغم وجود قوانین بالادستی در زمینه ایجاد شرایط مناسب، جهت حضور بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری در طرح‌های آب، تاکنون بخش خصوصی تمایل زیادی نسبت به حضور در این عرصه نشان نداده است. بخشی از این امر در نتیجه عدم شناسایی و معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در طرح‌های بخش آب است. همچنین بدلیل تنوع و پیچیدگی‌ها، الگوها و مدل‌های متناظر با هر یک از زمینه‌ها ارائه نشده است.



مرور سایر تحقیقات

شرکت تلاشگران ژرف اندیش در تحقیق به بررسی زمینه‌ها و محورهای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه آب پرداخت و تمامی حوزه‌های بخش آب را که امکان سرمایه‌گذاری و فعالیت بخش خصوصی در آن وجود دارد را شناسایی نمود. در این گزارش زمینه‌های متعددی برای این موضوع شناسایی شده است که نشان از ظرفیت‌های بالقوه فراوان این بخش برای مشارکت بخش خصوصی با بخش‌های دولتی است. زمینه‌های مذکور به شرح زیر است:

- سرمایه‌گذاری در طرح‌های تامین، استحصال و انتقال آب
- سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های آبی
- سرمایه‌گذاری در تاسیسات توزیع آب کشاورزی
- سرمایه‌گذاری در تاسیسات تصفیه و توزیع آب شرب و صنعت
- سرمایه‌گذاری در تاسیسات نمک زدایی و اصلاح آب‌های بی کیفیت (استفاده از آب‌های غیر متعارف)
- سرمایه‌گذاری در تاسیسات حفاظت و تعادل بخشی منابع آب
- سرمایه‌گذاری در تاسیسات تولید و توزیع آب بسته بندی
- سرمایه‌گذاری در تاسیسات جمع آوری و تصفیه فاضلاب
- سرمایه‌گذاری برای صنایع جنبی آب و فاضلاب
- سرمایه‌گذاری برای خدمات جانبی آب و فاضلاب
- سرمایه‌گذاری برای توسعه گردشگری در حوزه آب

Weida با بررسی تجربیات مختلف سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در پروژه‌های بخش آب، بیان کرده که بر حسب تجربه دو نوع خصوصی‌سازی در حوزه آب ایجاد می‌شود. خصوصی‌سازی انحصاری: که در واقع یک شرکت کل منابع آب را از طریق مزایده خریداری می‌کند. در این حالت به دلیل فقدان فضای رقابتی، ارایه خدمات با پایین‌ترین بها ممکن نخواهد بود. خصوصی‌سازی بارانه‌ای: در این حالت عرضه آبی که در مالکیت دولت است از طریق قیمت آزاد و یا در شرایط غیر رقابتی به بخش خصوصی واگذار می‌شود. در این شرایط بدلیل نبود شرایط رقابتی، انگیزه‌ای برای اعمال مدیریت بهینه نیست و لذا انتظار افزایش بها آب وجود دارد.

Budds و McGranahan در تحقیق خود مهم‌ترین روش‌های قراردادی در حوزه آب، برای مشارکت با بخش خصوصی را شامل "قرارداد خدمات"، "قرارداد مدیریت"، "اجاره"، "اعطاء امتیاز" و غیره دانسته اند

مرکز مطالعات مدیریت و بهره‌وری ایران در پژوهشی در زمینه شیوه‌های مشارکت بخش خصوصی در توسعه تاسیسات بخش آب شیوه‌های مختلف مشارکت در زمینه تولید تاسیسات زیربنایی در بخش آب به سه حالت زیر دسته‌بندی کرده است مشارکت، عقد قرارداد و قیمت‌گذاری، قراردادهای عملیاتی و شرایط رقابتی و اعمال مقررات.

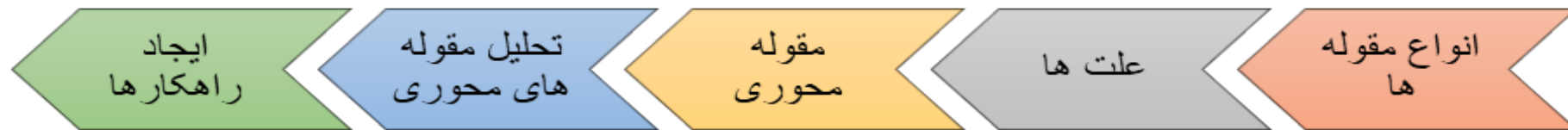


روش تحقیق

با توجه به عمق زیاد موضوع مورد بررسی و چندبعدی بودن آن و احتمال نادیده گرفته شدن برخی ابعاد موضوع، استراتژی "مصاحبه پژوهش کیفی" جهت اطلاع از نقطه نظرات خبرگان استفاده شده است.

این تحقیق از نظر نوع داده ها و رویه های موردنیاز جهت تحلیل آن ها در گروه تحقیق های کیفی جای می گیرد. تحقیق های کیفی به تحقیق هایی گفته می شود که یافته های آن از طریق داده های ریاضی و آماری حاصل نشده است و با معانی، مفاهیم، تعریف ها، نمادها و توصیف ها سروکار دارد. در این پژوهش، جهت تحلیل و بررسی داده های منتج از داده های کیفی مصاحبه ها و نتیجه گیری از آن ها، از استراتژی نظریه ی داده بنیاد استفاده شده است. نظریه ی داده بنیاد، یک شیوه شناسی استقرایی کشف نظریه و روالی نظام مند و کیفی است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می آورد تا گزارشی نظری از ویژگی های عمومی موضوع، پرورش دهد، در حالی که به طور همزمان، پایه ی این گزارش را در مشاهدات تجربی داده ها محکم می سازد.

در این راستا مصاحبه های تحقیقی برای استخراج داده ها از مشارکت کنندگان طراحی شد. مصاحبه یکی از ابزارهای گردآوری اطلاعات است که در آن به صورت حضوری یا غیر حضوری از افراد یا گروهی ار آنان پرسش می شود. نکته مهم آن است که سوالات مصاحبه از پیش اندیشیده شده و تعیین شده است. چندین مقوله با اهمیت از مرور دیگر تحقیقات به دست آمد و مصاحبه ها با توجه به آن مقوله اجرایی شد. شایان ذکر است که مصاحبه نیمه ساختار یافته یکی از معمول ترین انواع مصاحبه است که در تحقیقات کیفی مورد استفاده واقع می شود. در مجموعه، گام های اصلی تحقیق مشابه با رویکرد بیان شده توسط Strauss و Corbin (1998) به شرح زیر است:



موانع شناسایی شده در فضای کسب و کار پروژه‌های مشارکتی حوزه آب

بوروکراسی ناکارآمد

جهش تورم و نرخ ارز

تغییر قوانین

حساسیت‌های سیاسی و اجتماعی پروژه‌ها

مشکلات ناشی از تملک اراضی مورد نیاز پروژه‌ها

تضاد منافع میان بخش‌های عمومی مختلف

نبود نظارت بر حفاظت از حق‌آبه‌ها و حفر چاه‌های غیرمجاز

اختلاف عمیق بین بهای تمام شده آب و نرخ تعرفه‌ها

عدم کفایت مشوق‌ها

یکسان نبودن جایگاه حقوقی سرمایه‌گذار و سرمایه پذیر

مطالعات امکانسنجی

بازاریابی پروژه و انتخاب سرمایه‌گذار

بالا بودن میزان سرمایه‌گذاری

بی‌اعتمادی بخش خصوصی به بخش عمومی برای ایفای تعهدات

ریسک تقاضا

ریسک فورس ماژور

بروکراسی ناکارآمد

در راستای رفع این مانع، اقدامات زیر راهگشا خواهد بود:

- بمقررات زدایی و تلاش برای تسهیل فرایندهای شروع پروژه‌های مشارکتی باید یکی از اهداف همیشگی بخش دولتی باشد.
- به طوری که چالش‌های موجود در پروژه‌های قبلی برای پروژه‌های آتی حل و فصل شود. بخش عمومی می‌تواند پنجره واحدی برای ثبت و ارایه تمامی اطلاعات و مدارک بخش خصوصی جهت مشارکت در پروژه ایجاد کند.
- ایجاد یک واحد متخصص در زمینه مشارکتی که متولی راهبری پروژه در بخش دولتی باشد می‌تواند فرایند اخذ مجوزات و ثبت اطلاعات را تسهیل کند و همراه و کمک کننده بخش خصوصی در مراحل مختلف باشد.

جهش تورم و نرخ ارز

سرمایه‌گذاری در فضای کلی کشور ما متأثر از وضعیت کلان اقتصادی کشور است و امکان جداسازی وضعیت پروژه حاضر از فضای اقتصاد کلان کشور وجود ندارد. تورم بالا، جهش نرخ ارز و ... از جمله این موارد می‌باشند. از آنجایی که بخش خصوصی کنترل بر روی ریسک‌های با منشأ خارج از پروژه ندارد، بر این اساس ریسک‌های ناشی از فضای کلان اقتصاد کشور عموماً بر عهده بخش دولتی است. بنابراین بخش دولتی با تضامین مناسب جهت جبران خسارت ناشی از این بخش و یا امکان تعدیل مدل‌های مالی جهت بروزرسانی متناسب با شرایط تورمی جدید را به بخش خصوص بدهد.

تغییر قوانین

بخش خصوصی هیچ گونه کنترلی بر روی قانون گذاری و تغییرات قوانین ندارد. از اینرو بخش خصوصی در هنگام تغییر قوانین محقق خواهد بود که برای هرگونه افزایش در هزینه‌ها و زمان اجرای پروژه ناشی از تغییرات مذکور، ادعا خسارت کند. بنابراین، بخش دولتی باید به دنبال محافظت از قرارداد و سرمایه گذار در مقابل مشکلات ناشی از تغییرات احتمالی قوانین باشد. ضروری است بندی در پیش نویس قرارداد و همچنین در اسناد فراخوان درج شود که قوانین و مقررات موجود در هنگام قرارداد ملاک عمل در طول اجرای قرارداد خواهد بود؛ همچنین لازم است که بخش دولتی به بخش خصوصی اطمینان دهد که تمامی هزینه‌های ناشی از تغییر قوانین را تقبل خواهد کرد. یک توصیه مطلوب این گونه خواهد بود که از طرف بخش عمومی، در ابتدا پروژه اقدام به شناسایی تمامی بخش‌های دولتی شود که ممکن است بر روی پروژه تاثیر گذار باشند. این بخش‌ها بهتر است در هنگام تدوین قوانین و مقررات جدید اثرگذار بر روی پروژه، نسبت به چگونگی تخصیص ریسک‌ها در پروژه آگاه باشند. بخش دولتی باید اطمینان حاصل کند که سایر بخش‌های دولتی در هنگام تدوین قوانین جدید، شرایط پروژه در حال اجرا را مد نظر دارند و منجر به بروز آسیبی به بخش خصوصی نمی‌شوند.

حساسیت‌های سیاسی و اجتماعی پروژه

مدیریت شرایط موجود قبل از شروع پروژه و انتخاب سرمایه‌گذار برعهده بخش عمومی است. در دوران ساخت و بهره برداری، بخش خصوصی مسئولیت اصلی مدیریت امور زیست محیطی، بهداشت عمومی و مسائل اجتماعی را در طول پروژه بر عهده خواهد داشت ولیکن بخش عمومی باید وی را در این امور همراهی کند. بخش دولتی قبل از شروع پروژه باید در ابتدا مطالعات اجتماعی پروژه را انجام دهد

تملك اراضی مورد نیاز پروژه

مسئولیت اصلی تملك اراضی مورد نیاز عموماً باید بر عهده بخش عمومی باشد تا نسبت به مالکیت یا کنترل اراضی در نظر گرفته شده برای کارگاه پروژه اطمینان حاصل شود. اراضی عموماً در راستای اجرای پروژه در قالب قرارداد اجاره یا قراردادهای مشابه به بخش خصوصی داده شود و در هنگام اتمام قرارداد، کل پروژه به بخش عمومی منتقل شود. در صورتی که بخش دولتی قسمتی از هزینه‌های سرمایه گذاری را تامین خواهد کرد، بهتر است که این سرمایه در سایر مکانیزم‌های موجود در بخش‌های دیگر پروژه مانند تملك اراضی یا خرید تضمینی ساخت پروژه بعد از شروع وابسته به تامین مالی دولت نباشد) یعنی اینکه بخش خصوصی ریسک تامین مالی اجرای پروژه را تماماً بر عهده بگیرد و سهم بخش عمومی با استفاده از از سایر مکانیزم‌های موجود در بخش‌های دیگر پروژه مانند تملك اراضی یا خرید تضمینی وارد پروژه شود. از آنجایی که در دوران پیشبرد عملاً سرمایه‌گذار وارد پروژه نشده است، بهترین زمان برای رفع این موضوع، دوران پیشبرد است. تملك اراضی در دوره پیشبرد ممکن است باعث شود که دوره پیشبرد اندکی طولانی‌تر شود ولی این طولانی شدن بهتر از آن است که این مشکلات خود را در فاز اجرا نشان دهند و باعث ایجاد پیچیدگی در پروژه و یا حتی تعطیل شدن روند اجرای آن شوند. توصیه می‌شود تملك اراضی در صورت امکان در دوران پیشبرد توسط دولت انجام شود؛ بدین طریق این مانع قبل از ورود رسمی سرمایه‌گذار به پروژه توسط سرمایه‌پذیر پوشش داده می‌شود و جلوی ایجاد بسیاری از ابهامات آتی گرفته می‌شود. بخش دولتی یا دولت ممکن است از اختیارات قانونی خود برای به دست آوردن و سپس تأمین امنیت اراضی و مسیرهای دسترسی (به عنوان مثال از طریق سلب مالکیت اجباری) استفاده کند. حتی در صورتی که یک زمین از لحاظ قانونی دارای شرایط کاملاً واضحی باشد، احتمال دارد برای اجرای پروژه، نیاز به نیروهای انتظامی دولت باشد. ممکن است موضوعات قدیمی وجود داشته باشد که منجر به بروز درگیری‌های مختلف شود، عموماً انتظار نمی‌رود بخش خصوصی بتواند این گونه موضوعات را حل و فصل کند. این امر به ویژه در رابطه با شبکه‌های آبرسانی اتفاق می‌افتد.

تضاد منافع میان بخش‌های عمومی مختلف

ایجاد هماهنگی در میان وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان محیط زیست، فرمانداری شهر ری و سازمان برنامه و بودجه در خصوص تمامی برنامه‌ها و پروژه‌های بخش آب ضروری است. در پروژه‌هایی که دارای ابعاد گسترده ای هستند، بهتر است اقدام به شناسایی تمامی مسئولین دولتی و غیر دولتی ذینفع پروژه شود و سپس از آن‌ها درخواست تا مسئولیت خود در راستای کمک به اجرای پروژه را انجام دهند.

نبود نظارت بر حفاظت از حق آبه‌ها و حفر چاه‌های غیرمجاز

مسئولیت نظارت بر حفاظت از حق آبه‌ها و حفر چاه‌ها باید به بخشی سپرده شود که اجرای آن مطابق با منافع آن بخش باشد. حفاظت از حق آبه‌های مربوط به اراضی و همچنین حق آبه‌های متعلق به دشت‌ها نیازمند نظارت در دوسطح کلان و محلی است. مدیریت و نظارت بر روی عدم برداشت بیش از میزان حجم آب قابل برداشت هر دشت بر عهده وزارت نیرو و همچنین نظارت بر عدم برداشت بیش از میزان حجم آب قابل برداشت هر یک اراضی باید بر عهده یک نهاد منطقه‌ای یا محلی باشد. توصیه می‌شود در راستای جلوگیری از آسیب به پروژه‌های سرمایه‌گذاری و همچنین مدیریت این مسائل، رسیدگی به آن‌ها در قالب یک ساختار مشارکتی به سرمایه‌گذار خصوصی، شرکت‌های تعاونی آبران و بخش دولتی سپرده شود تا سرمایه‌گذار برای حفاظت از پروژه سرمایه‌گذاری خود و همچنین شرکت‌های تعاونی در راستای حفاظت از حق آبه تمامی حق آبه بران، این مسئولیت را به بهترین نحو انجام دهند. تشکیل یک بازار آب محلی نیز باعث بهبود وضعیت خواهد شد به گونه‌ای که وجود یک بازار آب محلی کمک خواهد کرد که رسیدگی به تقاضای آب در حدود پروژه در قالب آن بازار پاسخ داده شود. همچنین لازم به ذکر است که شناسایی و جلوگیری از بهره‌برداری‌های غیرمجاز در حجم بالای آب، یکی از عناصر اساسی در به نتیجه رساندن استراتژی بهبود عملکرد است و نیاز به همکاری مقامات سیاسی، دستگاه نظارت، پلیس و ادارات دولتی دارد.

اختلاف عمیق بین بهای تمام شده آب و نرخ تعرفه‌ها

بخش عمومی باید به دنبال بکارگیری راهکاری قانونی جهت رفع اختلاف قیمت واقعی آب و قیمت فروش آب باشد. توصیه می‌شود با تصویب قانونی، بهای محصول در قراردادهای مشارکتی را ازسهمول تعرفه‌گذاری مندرج در قوانین و مقررات مستثنی نمود (البته این موضوع در تبصره ۱۹ قانون بودجه ۱۳۹۹ وجود داشت که در سال ۱۴۰۰ از قانون بودجه حذف شد). همچنین شایان ذکر است که در صورت تعیین قیمت تکلیفی برای بهای محصول طرح، دولت مابه‌التفاوت قیمت محصول محاسبه‌شده بر مبنای الگوی مالی منضم به قرارداد و قیمت تکلیفی را از محل منابع پیش‌بینی‌شده در قانون بودجه باید پرداخت کند. بخش دولتی و وزارت نیرو می‌بایست به دنبال ایجاد یک نهاد تنظیم گر به منظور تشکیل بازار آب باشند تا شرایط لازم برای واقعی نمودن قیمت آب را فراهم کند.

عدم کفایت مشوق‌ها

با توجه به محدودیت‌های مالی دولت و ضرورت اجرای پروژه‌های بخش آب، استفاده از سایر انواع مشوق‌ها به غیر کمک نقدی باید در دستور کار قرار گیرد. از اینر، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- ارایه مالکیت موقت اراضی به صورت اجاره بلند مدت به سرمایه‌گذار،
- ایجاد تاسیسات جانبی اقتصادی و تغییر کاربری و ارائه به صورت اجاره بلند مدت آن‌ها به سرمایه‌گذار،
- برقراری معافیت مالیاتی بلند مدت،
- حذف سربارهای غیر لزوم مانند بیمه تامین اجتماعی و دریافت حق بیمه صرفاً بر اساس فهرست کارگاهی.

یکسان نبودن جایگاه حقوقی سرمایه‌گذار و سرمایه پذیر

به منظور رفع نگرانی‌های بخش خصوصی، لازم است چارچوب‌های حقوقی و قراردادی قدرتمندی برای حفظ حقوق طرفین توسط بخش عمومی ایجاد شود. بخش عمومی باید از ابتدا سازوکارهایی را برای رفع تعارضات احتمالی در طول اجرای پروژه تدوین و به سرمایه‌گذاران اعلام کند. مراحل پیش نیاز شروع سازوکارهای حل اختلاف، مانند انتخاب یک هیأت خبره، باید در پیش‌نویس قرارداد آورده و در اسناد فراخوان اعلام شود. پیشنهاد می‌شود مرکز دآوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران به عنوان برای حل اختلاف در صورت عدم توافق استفاده شود. ادارات سیاسی و نظارتی و سایر بخش‌های دولتی باید از ورود به پروژه‌های بخش آب در صورت بروز اختلاف میان بخش خصوصی و بخش دولتی پرهیز کنند و از طرفین بخواهند که هر گونه اختلاف نظر را صرفاً از طریق سازوکارهای از پیش تعیین شده پیگیری کنند.

مطالعات امکانسنجی

مطالعات امکانسنجی می‌بایست پیش از شروع هر پروژه‌ای اجرایی شود و انجام آن باید پیش از شروع پروژه، به اتمام برسد. به همین دلیل بخش عمومی لازم است که نسبت به کیفیت و کمیت مطالعات امکانسنجی اطمینان حاصل کند. اهمیت این مطالعات در پروژه‌هایی که به طور ذاتی دارای ریسک‌های متعددی هستند، افزایش می‌یابد. مطالعات امکان‌سنجی و گزارش طرح تجاری لازم است که دارای بخش‌های توجیه مالی، ارزش‌آفرینی منابع مالی، ارزیابی توجیه فنی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و مطالعات ریسک باشد. این مطالعات باید از شفافیت بالایی برخوردار بوده و وضعیت درآمدی و هزینه‌ای پروژه به‌طور کارآمدی مشخص باشد. همچنین بخشی که در بسیاری از مطالعات نادیده گرفته می‌شود مطالعات ریسک است؛ این بخش، جهت انعکاس در مطالعات مالی و شرایط قرارداد سرمایه‌گذاری ضروری است.



بالا بودن حجم میزان سرمایه گذاری مورد نیاز

حجم سرمایه گذاری و دوره بازگشت سرمایه به مطالعات پیدایش و ماهیت طرح بازمی گردد که از طرف بخش دولتی قبل از ورود بخش خصوصی انجام می شود. لازم به ذکر است هرگونه تغییر اندازه و فازبندی زمان اجرا نیازمند مطالعات امکانسجی مستقل می باشد. تغییر محدوده پروژه های بزرگ بخش آب به چند پروژه کوچک تر و فازبندی اجرای طرح ها می تواند راه حل مناسبی برای اجرای پروژه ها با سرمایه های کمتر باشد. همچنین در رابطه با نحوه اجرای پروژه و مصالح مورد استفاده، بخش دولتی باید به سرمایه گذار اختیار کامل را بدهد که با استفاده از مهارت ها، امکانات و تجربیات خود، بهترین گزینه را انتخاب کرده و از این طریق مانع از افزایش هزینه های پروژه شود. در جهت کمک به سرمایه گذار برای تامین منابع مالی اجرای پروژه ها، توصیه می شود اقدامات زیر اجرایی شود؛ توثیق ضمانت نامه قراردادهای تشکل ها با بخش دولتی به سرمایه گذار؛ امکان سازی ترهین زمین های واگذار شده به سرمایه گذار جهت اجرای پروژه؛ ایجاد صندوق پروژه ها یا سهام آب به منظور پیش فروش بلند مدت آب یا محصول پروژه ها به متقاضیان آن.

بی اعتمادی بخش خصوصی به بخش عمومی برای ایفای تعهدات

پرداخت های مرتبط با موارد پیش گفته، مستلزم پیش بینی اعتبارات لازم در بودجه های سنواتی است. ضروری است منابع مالی پایدار و مطمئن از طریق ایجاد ردیف اختصاصی در قوانین بودجه سنواتی برای پرداخت تعهدات مالی بخش عمومی در نظر گرفته شود. منابع ردیف های مذکور می تواند از محل منابع بودجه عمومی، ظرفیت های قانونی قابل وصول و جابجایی ردیف های بودجه و بخشی از درآمدهای اختصاصی بخش عمومی و سایر ظرفیت های قانونی تأمین گردد. بنابراین رویکردهای زیر توصیه می شود:

- ایجاد ردیف بودجه اختصاصی برای پروژه؛
- پرداخت سهم دولت با تعریف اعتبارات اسنادی داخلی-ریالی؛
- ارایه تضامین توسط سازمان برنامه بودجه و یا وزیر جهت استفاده سرمایه گذار در ارایه وثیقه برای تسهیلات.

ریسک تقاضا (فروشی محصول پروژه)

بخش عمومی می بایست مسئولیت یک سطح حداقلی از ریسک تقاضا را بر عهده گیرد. به منظور مدیریت ریسک فروش آب ممکن است در برخی از پروژه ها، اقدامات زیر لازم باشد:

- اقناع افکار عمومی از ضرورت اجرای طرح با استفاده از مسئولان محلی و جلسات مکرر با کشاورزان؛
- جلوگیری از کشت با آب آلوده در پروژه های اجرای تصفیه خانه؛
- جلوگیری از برداشت غیرقانونی آب زیرزمینی از سوی کشاورزان؛
- مذاکره و تفاهم با تشکل های آب بران بر روی قیمت محصولات پروژه؛
- برآورد کشتش قیمتی تقاضای محصول پروژه قبل از فراخوان؛
- تعهد بخش عمومی به پیش خرید خروجی های پروژه در سال اول؛